

زیر آسمان فیروزهای

اعتراض وانصراف بی‌سابقه در فجر ۳۵ خفه‌گی در جشنواره

● **رضا آشفته:** همه بر این باور هستند که در این ۳۵ سال برگزاری جشنواره فیلم فجر این‌همه اعتراض و انصراف چشمگیر نبوده و این خود تنها دلیلی است برای پامال‌شدن حق آنهایی که دلشان می‌خواهد به این ناداوری‌ها با صراحت بیان اعتراض کنند، اما مقابل، نه دبیر جشنواره و نه وزیر ارشاد نتوانسته‌اند پاسخ درخورناملی را برای پیشگیری از این توفان اعتراضات بیان کنند. علی معلم، منتقد، اعتراضش را این‌گونه نشان داد: گویا داوران جشنواره دویسن بودند؛ بازیگری که در یک فیلم خوب است، در فیلم دیگری نامزد شده. در گذشته شاهد ده‌ها مورد تقلب در آرای مردمی جشنواره بوده‌ام. اگر می‌خواهیم همدیگر را متهم نکنیم، شفافیت داشته باشیم. بازشدن پرونده دوتابعیتی‌بودن دبیر و پنج نفر از داوران جشنواره در برنامه هفت از شبکه سوم سیما هم از آن مواردی است که فعلا بحث چگونگی داوری‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده. در این برنامه بیان شد: وقتی داوری سال‌ها فیلم بساخته و در خارج زندگی کرده، نتیجه‌اش همین می‌شود.

انصراف کارگردان «ویلائی‌ها»

منیره قیدی، کارگردان فیلم «ویلائی‌ها» که برای فیلم‌نامه این اثر به‌طور مشترک با ارسلان امیری، نامزد دریافت سیمرغ شده بود، از این نامزدی کناره‌گیری کرد. این کارگردان نوشت: «حضور در هر رقابتی و تن‌دادن به قواعد داوری بخشی مهم از روحیه کمال‌طلبی و حتی جاه‌طلبی هر هنرمندی است.»

دوانصراف دیگر

مدیر فیلم‌برداری و طراح صحنه فیلم «خفگی» که به‌ترتیب برای فیلم‌های «گشت ۲» و «بدون تاریخ، بدون امضاء»، نامزد دریافت سیمرغ بودند، هم از ادامه داوری انصراف دادند. مسعود سلامی و محسن نصراللهی نوشتند: از کودکی به رسم ادب، از پدران و مادرانمان آموخیم که همیشه به نظر دیگران احترام بگذاریم و به‌همین‌دلیل در ابتدای این یادداشت به احترام تمام اهالی سینما، داوران، هیئت انتخاب و تمام عوامل کاندیداشده و نشده کلاه از سر برمی‌داریم و باز هم بااحترام و کسب اجازه از دو کارگردان و تهیه‌کننده فیلم‌های «گشت ۲»، سعید سهیلی و «بدون تاریخ، بدون امضاء»، «وجد و علی جلیوند» به‌نقظ به دلیل ندادوری و اعمال سلیقه هیئت داوران، بلکه به دلیل نادیده‌گرفتن و چشم‌پستن (چراکه اعتقاد شخصی‌مان است که کار داور بازکردن چشم‌هاست، نه ندیدن و به عمد پشت‌کردن به آثار) روی فیلمی که همه عوامل آن در نطفه دچار «خفگی» شدند و در هیچ بخشی لایق کاندیدایبودن هم نبودند، به این وسیله انصراف خود را از بخش داوری جشنواره اعلام می‌داریم.

فیلم چراغ‌های ناتمام

کارگردان «چراغ‌های ناتمام» هم از دیگر معترضان داوری جشنواره فیلم فجر بود که از غیرمنطقی‌بودن داوری‌ها به‌شدت انتقاد کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، مصطفی سلطانی، کارگردان فیلم «چراغ‌های ناتمام»، که فیلمش در بخش بهترین جلوه‌های ویژه میدانی نامزد دریافت سیمرغ جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر شده است، در نامه‌ای به روند داوری این دوره از جشنواره اعتراض کرد.

سارا وآیدا

طراح جلوه‌های ویژه بصری فیلم «سارا و آیدا» درباره حاشیه‌های به‌وجودآمده درباره نامزدی این فیلم در بخش جلوه‌های ویژه میدانی توضیح داد. بهنام خاکسار، طراح جلوه‌های ویژه بصری فیلم «سارا و آیدا»، درباره کاندیداشدن این فیلم در بخش جلوه‌های ویژه میدانی گفت: این فیلم جلوه‌های ویژه میدانی نداشته است و همه صحنه‌های مربوط به تصادفی که در فیلم ساخته شده از سوی من با استفاده از تکنیک ویزوال انجام شده است.

دفاع جیرانی از معترضان

فریدون جیرانی از نامزدهایی که انصراف دادند، تشکر کرد و نوشت: این اعتراض در تاریخ جشنواره ثبت شد. همکاران عزیز، خاتم منیره قیدی و آقایان مسعود سلامی و محسن نصراللهی، فکر نمی‌کنم تا آنجایی که من به یاد دارم کاندیدایی در ۳۵ سال جشنواره انصراف داده باشد. این نخستین‌بار است. شما با احترام به همه کاندیداها اعتراض کردید به «حقی» که نادیده گرفته شده بود، (حقی) که مخالفان و موافقان فیلم برای شما قائل بودند و در همه‌جا گفتند و نوشتند.

پاسخ دبیر

دبیر سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر بیان کرد: آنهایی که از نامزدی در جشنواره فیلم فجر انصراف داده‌اند میل خودشان است.

وزیر ارشاد: اعتراض‌وارد نیست

وزیر ارشاد از تشکیل کمیته‌ای به سرپرستی مشاور عالی خود برای رسیدگی به اعتراض‌های صورت‌گرفته درباره داوری‌های جشنواره فیلم فجر خبر داد. رئیس سازمان سینمایی هم این کمیته را همراهی می‌کند. صالحی‌امیری با بیان اینکه اطلاعی از دوتابعیتی‌بودن داوران جشنواره ندارم، گفت: وجود مسئولان دوتابعیتی در وزارت ارشاد را تکذیب می‌کنم.



احمد رضا دالوند

مدیر رسانه‌ای فیلم «سوفی و دیوانه» می‌گوید: طرح پوستر به لایه‌های مفهومی فیلم اشاره دارد و می‌افزاید: عموماً طراحی پوسترهای فیلم‌های سینمایی با استفاده از عکس و طرح صحنه‌ها و بازیگران صورت می‌گیرد و در این فضا طبیعتاً طراحی غیرمتعارف کمی واکنش‌برانگیز خواهد بود و در ادامه می‌افزاید: قبول داریم که این طرح برای یک فیلم سینمایی غیرمتعارف بود، اما نکته قابل ذکر در این‌باره این است که طرح این پوستر به ظاهر و لایه نخست فیلم و قصه اشاره ندارد و معطوف به لایه‌های بعدی و مفهومی آن است. از سویی، عوامل سازنده فیلم در شرح مختصر فیلم به این شعر اکتفا کرده‌اند: من مست تو دیوانه ما را که برد خانه/ صدار تو را گفتم کم خور دو سه پیمانه...

بهناز شیربانی: «پشت دیوار سکوت» تازه‌ترین اثر سینمایی مسعود جعفری جوزانی در جشنواره فیلم فجر، فیلمی است که به موضوع خون‌های آلوده اشاره می‌کند و قصه براساس آن پیش می‌رود. نظرات متفاوتی درباره ساختار این فیلم سینمایی مطرح است. برخی معتقدند آن‌طور که باید، در این فیلم به این موضوع پرداخته نشده است. با مسعود جعفری جوزانی درباره تجربه اخیرش صحبت کردیم.

۷ **در فیلم اختران به یک موضوع ملتهب اجتماعی پرداختید. دلیل انتخاب این موضوع چه بود؟**
سینماگران هم مانند دیگر هنرمندان، نویسندگان، منتقدان و حتی فعالان سیاسی و اجتماعی برای تازه‌ماندن و مؤثربودن، بیشتر از دیگران به رخدادها، جنبش‌ها، تغییروتحول و حتی رویدادهای به‌ظاهر جزئی توجه می‌کنند و تأثیرپذیری بیشتری دارند؛ یعنی یک سینماگر برای اینکه بتواند اثری ورای آثارنهی تکراری و سبک‌های موجود پدید بیاورد، مجبور است یک موضوع یا رخداد را بارها در ذهن خود ویران و دوباره‌سازی کند تا به ساختاری مطلوب و تأثیرگذار برسد که آن قصه یا موضوع را در ساختاری جذاب و در زمانی محدود به مخاطب ارائه دهد.

براساس این گفتار، طبیعی بود که من و دخترم پس از برخورد با موضوع ملتهبی چون ورود خون‌های آلوده و ارتباط مستقیم آن با جوانان داوطلب کشتگری که در قالب یک نهاد مردم‌محور، کمر به نابودی هیولای ایدز بسته‌اند، شدیداً تحت‌تأثیر قرار بگیریم و تلاش کنیم بخشی از این حرکت احترام‌برانگیز مردمی باشیم. این بود که با شور و شوق، آستین‌ها را بالا زدیم تا در کنار این جوانان به ارتقای آگاهی‌دادن به جامعه کمک کرده باشیم. از زمان برخورد و آگاهی از این فاجعه که فرانسوی‌ها خون‌های آلوده به کشور وارد و مردم ما را آلوده کردند و هنوز هم شرکت «سنافی اوتینیس» که در ادامه همان شرکت واردکننده خون‌های آلوده با نام جدیدی است، در حال مرادوه و معامله با واردکنندگان دارو به ایران هستند، ۲۴ ساعت بیشتر طول نکشید که خاتم فاطمه صالحی روبه‌رویمان نشست و خاطراتش را با ما قسمت کرد؛



مهرداد جتیی

سینمای ارائه‌شده در ۳۵ دوره جشنواره فیلم فجر انقلابی است یا برخاسته از انقلاب؟ این دو با هم تفاوت آشکاری دارند. انقلابی از عنوانش پیداست که قصد دارد مدام انقلابی عمل کند؛ رویکردش انقلابی است. او می‌خواهد همه‌چیز دگرگون شود و این دگرگونی همچنان ادامه یابد. انقلابی می‌خواهد با انقلاب شرایط مطلوب‌تری به‌وجود آورد. او قوانین دست‌وپاگیر را برنمی‌تابد. هرآنچه که او را زمین‌گیر کند و مانع حرکتش شود را می‌خواهد

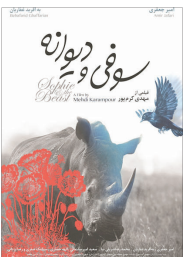
در ابتدا اعلام می‌شود که این نوشتار قصد رمزگشایی از مرغان و بهایم و وحوش و نباتات موجود در پوستر فیلم «سوفی و دیوانه» را ندارد و بحث خود را نیز از همین نکته آغاز می‌کنیم. (الف) کاربرد زبان فاصله: برای روشن‌شدن این معنا به کاربرد مفهوم فاصله در شعر اشاره‌ای مختصر می‌شود: گاه شاعر، مفهوم فاصله را در کلمات پنهان می‌کند: مانند شعری از شاعره هندی‌تبار پارسی‌گو «زینب‌النسا» متخلص به «مخفی»، دختر اورنگ‌زیب پادشاه گورکانی هند که سروده است: در سخن مخفی شدم همچو بو در برگ گل/ میل دیدن هرکه دارد در سخن بیند مرا.

مبحث فاصله بسیار وسیع و قابل‌تأمل است و مصادیق کاربردی آن را در موارد متعددی، می‌توان ردیابی کرد؛ مگر در مدیای پوستر که به این دلیل طراحی و تکثیر می‌شود که موضوع «فاصله» / Distance / را میان چشمان مخاطب سینما و اثر

یک پوستر، یک جشنواره

سوفی و دیوانه / مهدی کرم‌پور

آنتروپومورفیزم با مرغان و بهایم



سینمایی از میان بردارد و گفتنی است طراح گرافیک، چنانچه هر تمهیدی غیر از چنین هدفی را در دیزاین پوستر به کار ببندد، از روح این مدیای اطلاع‌رسان دور شده است. به دیگر سخن، بیان گرافیک به‌طورکلی و مدیای پوستر به‌طور خاص نمی‌تواند همچون «زینب‌النسا»، شاعر پارسی‌گوی اعلام کند: «میل دیدن هرکه دارد در سخن بیند مرا»... گفتن ندارد که میان زبان فاصله در شعر و زبان فاصله در گرافیک خیلی خیلی تفاوت هست.

ب) کاربرد زبان نمادین: اصطلاح سمبل Symbol که در فارسی دری به نماد ترجمه شده است، به معنای «به‌هم‌پیوستن» و چسباندن دو قطعه ازهم‌مجراست. بانیان این مکتب در ادبیات که از بیان خشک ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) و بیان مطابق با واقعیت «نابلیسم»، دل‌زده بودند، برای بیان اندیشه‌های خود، نمادها را به کار گرفتند، اما نمادآفرینی در تاریخ بشر پیشینه دوردرازی دارد؛

گفت‌وگو با «مسعود جعفری جوزانی»

ترجیح می‌دهم راه خودم را بروم



عکس: حامد ملک‌پور، تسنیم

رنج‌هایی که این دختر جوان کشیده بود، استخوان‌بندی اصلی فیلم‌نامه را شکل داد، به‌گونه‌ای که فیلم «پشت دیوار سکوت» تا حد زیادی براساس زندگی واقعی خانم فاطمه صالحی که درواقع یکی از مددکاران انجمن احیا است ساخته و پرداخته شده است. ناگفته

نماند که پژوهش‌های انجام‌شده دکتر عبدالکریم یونسی و دیگر دوستان، به‌ویژه فیلم مستند «چند قطره خون»، کار دوست عزیزم، نوید نامور، تأثیر عمیقی در شیوه کار گذاشت.

۷ **طبعاً پرداختن به این موضوع به‌نوعی ردشدن از برخی خطوط قرمز است. از نحوه نگارش داستان و احتمالاً مواردی که با جرح و تعدیل مواجه شد صحبت کنید؟**
پیرنگ فیلم‌نامه با دقت و تأکید بر واقعیت‌های قابل‌دفاع ساخته شد و بدیهی است که چنین موضوعی به خودی‌خود آن‌سوی خط قرمز قرار می‌گیرد، اما بیش از نگرانی از خط قرمزها، بعد از خواندن فیلم‌نامه اولیه که سحر نوشته بود، من نگران تلخی و گزندگی سوزه شدم. این بود که کمی شکر خیال به واقعیت تلخ افزودم و با تأکید بر شخصیت مددکار کشتگر، انجمن مردم‌نهاد و همکاری با دیگران به این حقیقت رهایی بخش می‌رسد که معضلات و مشکلات امروز

یعنی از هزاران سال قبل از به‌وجودآمدن مکتب سمبلیسم، انسان برای تبیین پدیده‌های طبیعت و بیان احساسات و عواطفش، از نمادها استفاده می‌کرده است. تمایل انسان به نام‌گذاری اشیا و پدیده‌ها، منجر به شکل‌گیری مفهوم «انسان‌انگاری» یا آنتروپومورفیزم Anthropomorphism شده که استعاره‌ای بسیار نیرومند در رابطه میان انسان و سایر پدیده‌های جهان شده است. باری، نمادگرایی در بیان گرافیک (مثلاً در طراحی برخی نشانه‌ها، تصویرگری، ...‌) و در جای خود، جلوه‌ای دارد که شاید به سبب زبان مدرن و بی‌شائبه گرافیک، قدرتی در انتقال مفاهیم سمبلیک دارد که در کمتر مدیای دیگری می‌توان سراغ گرفت. نمونه‌ها بسیارند، اما پوستر یک فیلم سینمایی با بهره‌گیری از زبان نمادین و کاربرد نشانه‌های غیرمستقیم، در بهترین حالت ممکن است بگوید: «من یک پوستر هنرمندانه‌ام»... البته پوستر هنرمندانه‌که در انتقال برق‌آسای رویکرد مفهومی فیلم ناکارآمد است. هرچند که پوستر فیلم «سوفیا و دیوانه» یک اثر هنرمندانه هم نیست.

بشر را تنها با تشکیل گروه‌های مردم‌نهاد و تکیه بر نیروی تمام‌نشدنی مردم می‌توان چاره کرد؛ کاری که از هیچ دولت مقتدری برنیامده و برنخواهد آمد.

ازاین‌رو «پشت دیوار سکوت» را به‌خاطر ساختار ویژه و تازه‌اش بیشتر از دیگر فیلم‌هایم دوست دارم؛ اما درباره اینکه بعضی می‌گویند فیلم‌نامه می‌توانست طور دیگری نوشته شود یا به‌گونه‌ای دیگر با این موضوع برخورد شود، باید بگویم نه این فیلم‌نامه که هر موضوع یا فیلم‌نامه دیگری هم می‌توانست به هزارویک شکل دیگر نوشته شود، اما واقعیت این است که هرکس به اندازه شعور و دانش خود با آن برخورد می‌کند. چپ‌سا می‌شد این کار را به روال سینمایی موجود در کشور بازنویسی کرد یا خطی روایتی و سرراست به آن داد، اما من هرگز مد روز فکر نکرده‌ام و نخواسته‌ام شبیه بقیه باشم؛ به این حرف‌های تکراری هم عادت کرده‌ام، وقتی «جاده‌های سرد» را ساختم، منتقدی نوشت

که «با من حرف بزن» روش بهتری برای فیلم‌سازی است، به عبارت دیگر هر فیلمی ساخته‌ام، گروهی که به کلیشه‌های من روز عادت کرده‌اند این حرف‌ها را تکرار کرده‌اند. هنوز حرف‌هایی که در زمان اکران «شیر سنگی» و «در مسیر تندباد» گفتند را به خاطر دارم؛ اکثریت قریب‌به‌اتفاق نوشته بودند شخصیت‌های «شیر سنگی» زیادند و کاش مثل «جاده‌های سرد» شخصیت کتری داشتند و درباره «در مسیر تندباد» هم همین حرف‌ها تکرار شده بود. امروزه هم که دیگر سایت‌ها و جمله‌های کوتاه، مد روز است، باز همان حرف‌های تکراری در قالبی کوتاه‌تر نوشته می‌شود، اما من ترجیح می‌دهم کار خودم را بکنم و راه خودم را بروم دیگران هم حق دارند حرف‌های خودشان را بزنند.

۷ **از نتیجه کار راضی هستید؟**

بله، بهترین کاری است که تا به امروز به انجام رسانده‌ام، البته می‌دانم خارج از عادت سینمای روز کشور است، همان‌طور که «سایه خیال» برای عده‌ای شوک‌آور بود یا «ایران‌پرگر».

من که کاری را دوست نداشته باشم نمی‌سازم؛ چراکه می‌دانم مانند دیگران‌شدن کار بیپهوه و بی‌ارزشی است. از نوجوانی از عوام‌گرایی و عوام‌زدگی و پوپولیست‌بودن بیزار بوده‌ام.

وقت به‌یک‌باره جای خود را به ارزش‌های تازه‌برآمده از شعارهای انقلاب دادند. فرهنگ تغییر کرد. به‌دنبال تغییر در گفتمان فرهنگی جامعه، گفتمان انقلاب حاکم شد؛ گفتمانی که همه را به تغییر دعوت می‌کرد. پشت‌کردن به طاغوت، شاه رفته بود. رژیم شاهنشاهی فروپاشیده بود و کشور نیاز به آرامش و استقرار داشت. به‌همین‌خاطر هم عغلاّی وقت تصمیم به نهادسازی گرفتند؛ تأسیس مجلس، تشکیل کابینه و تصویب قانون اساسی. اینها همه نشانه‌های خرد خردورزان آن دوران است؛ کسانی که می‌خواست‌اند کشور را به ساحل آرامش برسانند و از التهاب بیش‌از‌حد آن بکاهند. از آن پس باید همه امور قانونمند می‌شد. چارچوب دوباره باید به امور بازمی‌گشت، اما با تعریف جدید برآمده از انقلاب! سینما نیز از این قاعده مستثنا نبود، اما آیا سینما انقلابی شد؟ این موضوع را در یادداشت بعد پی خواهیم گرفت.

نگارخانه

هم‌زمان با ۸۰ سالگی خلق «بوف کور»

هدایت بر بوم «حاجی‌زاده»

نقش می‌بندد



● **شرق:** نمایشگاه آثار قاسم حاجی‌زاده، درباره صادق هدایت، جمعه، ۲۲ بهمن در گالری شهرویر برگزار می‌شود. این نمایشگاه شامل ۱۸ نقاشی و ۱۲ اثر نقاشی روی کاشی با سوزو صادق هدایت است که هنرمند در سالیان گذشته با موضوع هدایت و بوف کور کار کرده است. هم‌زمانی نمایشگاه با ۸۰ سالگی نگارش رمان «بوف کور» به این نمایشگاه حال‌وهوای دیگری بخشیده است. امیرحسین زندی، مدیر گالری شهرویر، درباره انگیزه خود از برگزاری این نمایشگاه گفت: «ایده برگزاری این نمایشگاه از سال ۲۰۱۴ کلید خورد و در ملاقات با آقای حاجی‌زاده با شد نمایشگاهی با موضوع هدایت، در ۸۰ سالگی انتشار رمان بوف کور برپا کنیم. سوزو هدایت همیشه برای حاجی‌زاده جذاب بوده و می‌شود گفت حاجی‌زاده به‌نوعی به هدایت ارادت دارد. زندی درباره دیگر برنامه‌های این نمایشگاه اضافه کرد: «سعی می‌کنیم در روزهای برپایی این نمایشگاه دو نمایش فیلم هم داشته باشیم؛ یکی فیلم آپارتمان شماره ۳۷، ساخته محسن شهرنازدار و سام کلانتری که درباره زندگی هدایت است و دیگری مستندی از زندگی قاسم حاجی‌زاده، ساخته حامد یوسفی». قاسم حاجی‌زاده متولد ۱۳۲۶ در لاهیجان و فارغ‌التحصیل هنرستان هنرهای زیبای تهران در رشته نقاشی است. او از شاخص‌ترین هنرمندان مدرن ایران محسوب می‌شود که در چهار دهه فعالیت هنری داشته است. این نمایشگاه در روز افتتاحیه از ساعت ۱۵ تا ۲۰ میزبان مدعوین خواهد بود و هر روز به‌جز شنبه‌ها از ساعت ۱۵ تا ۲۰ ادامه خواهد داشت. نمایشگاه صادق هدایت تا ۲۰ اسفند دایر خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند به نشانی خیابان الهیه، خیابان خرز شمالی، بن‌بست هرمز، شماره ۹ مراجعه کنند.

نگاه روز

بازشدن پرونده بسته

آتوسا اسکویی

● **حس‌وحال** جشنواره فجر، حس‌وحال عجیب و خاصی است حتی شاید از جثاتی شبیه یک‌جور اعتیاد باشد که وقتی یک‌بار تجربه‌اش کنید، دیگر بعدی یا خیلی سخت می‌شود آن را کنار گذاشت. ظاهراً سن‌وسال هم نمی‌شناسد و پیر و جوان، دقیق و ساعات گران‌بهای عمرشان را در سان‌های تارکب به تماشای فیلم مشغولند تا این غشش دیدن فیلم‌ها در جشنواره را پاسخ‌گو باشند. وقتی پای صحت افراد مختلف (در اینجا فیلم‌بین‌های حرفه‌ای منظور است) بنزشتنی، تقریباً غیرممکن است از خاطرات سال‌های دور جشنواره‌رفتشان حرفی نگویند. از هنرپیشه‌های میان‌سال خوشنام و محبوب گرفته تا منتقدان سنگین‌قلم و محترم این روزگار، همه‌ومه خاطراتی از فشارهای جمعیت مشتاق موقع ورود به سالن‌ها یا در صف‌های گرم در زمستان‌های برفی گذشته را دارند که با وجود سالیان سیری‌های اغلب نام فیلم‌ها نیز به‌خوبی یادشان مانده است. به‌راستی چه شد که در این سال‌هایی که سن‌وسال جشنواره همچون جوان بالغ و برومندی است که باطبع انتظار خطای کمتری از او داریم و بعد از آن همه خاطرات خوش، به اینجا رسیدیم‌اید و باز ناچار به خرید بلیت از بازار سیاه شده‌ایم؟ اگر پیش از جشنواره تصمیم به پیش‌خرید بلیت به صورت اینترنتی گرفته بودید، حتماً می‌دانید از چه صحبت می‌کنم. اگر به‌خاطر مشکلات ظاهراً لاینحل سایت فروش بلیت، موفق به خرید آن نشدید و به‌ناچار به سایت‌های دیگری که لریز از «آگهی‌های فروش بلیت جشنواره» هستند، مراجعه کردید، بهتر می‌دانید که امسال بازار بسیار سیاه از نظر قیمت و بازار کاملاً سفید! از نظر وضوح و آشکاری وجود دارد. حال باید پرسید آیا واقعا چاره‌ای نداشت جز یک عذرخواهی؟ آیا واقعا نمی‌شد به صورت ضربتی وارد عمل شد و در همان چند روز باقیمانده به جشنواره راه چاره‌ای اندیشید؟ آیا افراد متخصصی وجود ندارند که بعد از مشاهده چنین وضعیتی چاره‌ای بیندیشند تا این ملغمه بازار سیاه پیش نیاید؟ بازار سیاه و تلخی که همچنان می‌تازد و متأسفانه به نظر می‌رسد کسی قصد رسیدگی به این مسئله با جلوگیری از ادامه‌اش را ندارد. این بازار ناصحیح، با توجه به سیستم پیشرفته و مکانیزه‌بودن فروش بلیت‌ها و شرط فروش با ارائه کارت ملی و خلاصه دارابودن شماره سریال با‌راحتی قابل‌پیکیری است. درواقع امکان ندارد که قابل‌پیکیری نباشد، مخصوصاً که تعداد زیادی از این آگهی‌ها با الصاق عکس‌هایی از بلیت‌ها این پیکیری را دوصدچندان ساده‌تر کرده‌اند و اگر پیکیری نمی‌شود لابد دلیل موجهی دارد. البته بحث ردکردن بلیت فیلم‌هایی که در همین چند روز اول با دریافت یادداشت‌هایی منفی تبدیل به فیلم‌های ندیدنی جشنواره شدند هم مطرح است که آنها نصف قیمت و شاید با ساندویچ و نوشابه اضافه به فروش می‌رسند! راستی چه خوب است اعضای هیئت انتخاب بیابند و این فیلم‌ها را یک‌بار هم که شده، ببینند.